

پیکار خونین قم

فریاد مرگ بر شاه، زندنه باد آزادی، سراسر میهن ما را به لزمه را آورده است. مردم ایران همه پک صدا خواهان نایابی اشاره مرت و پیشگویی خود را در جریان بحرانی که تمام پیکره آنرا فراگرفت پیکی پس از دیگری از دست میدهد و بارز است بین از پیش خود شرایط سرتکنی خود را بدست توانایی مردم ایران فراهم نمیکند.

طن

ماهیهای اخیر مردم قم در بای منبر وساطت آزادی خواهاد و طلب اجتماعات و تماشای انتخابی خود، که با درود فرستانه به تخصیص های آزاد پیشواه مذهبی پیویز خوبی و ابراز خشم و نفوت خود از شاه ایوان اجتناب نایاب نمیباشد. تنها طبقه کارگر ایوان دارای هدایت مردم به یک خروج انقلابی از جریان کوئی است و این امکان دارد تنهای زمان میزد. اتفاقی را بر جامعه "ما تعجبیم کرد، شفاقت از اور" میگردند. این خواستهای بحقیقی خود را در حکومت دستستان آزادی و ایادی امیرالبیسم نیزک اولا تمام کوئیست. ها و کارگران پیشوای ایوان را که مردم تائید نمیکند، مردم ایران است مطری کردند خود حزب طبقه کارگر، حزب کوئیست ایران، را باید از جمله این خواستهای آزادی زندان سپاهی و آزادی کسانی که در مبارزات سیاسی آیینه ایشان را میگردند. این خواستهای ایوان را باید از این میان میگذرد. این خواستهای ایوان را باید از این میان میگذرد. این خواستهای ایوان را باید از این میان میگذرد. این خواستهای ایوان را باید از این میان میگذرد.

از آذربایجان اسلام شیر قم که تا کنون بارها ر

راه آزادی ایران شهید داده است، بعلت بعد از این

لتهای حکومت خود که شاه در مراکز مذهبی و

حیاتی از ایوان را به قیام در راه آزادی و حظیرافت

نشکاهایها برخاستند و از حیات مردم برخورد اورشند

و امروز پیکار دلیل ایوان قم همه شیوه های

و حیثیت طی میگردند. میتوانستی ایادی استعمال و

سلطنت نکنی. ه میان به بازیجه کردن داده است،

نشویق و ترغیب نمیکند.

از آذربایجان اسلام شیر قم که تا کنون بارها ر

راه آزادی ایران شهید داده است، بعلت بعد از این

لتهای حکومت خود که شاه در مراکز مذهبی و

کوئی ایوان را باید از این میان میگذرد. این خواستهای ایوان را باید از این میان میگذرد.

ان علیه سکریبا و جنایات روزی ملطختی در جوش

و خروش آزادی خواهان بسر میبرده است. در نیمه

دوم دیماه اسلام این غلیان تندیه ایوان و تهران و

دامان زیرم را کرفت و بصور تظاهرات خشنگیانه

اهالی قم، تم حکومت خود که شکننی سوی مراکز پیش

و پانکها و پیکار چند ساله با آذربایجان و کهان و

های حکومت سفاه پهلوی خود ناشی کرد. جوش و

خوش آزادی خواهی را در هنگامی که شاه را

خود رسید که طبیعت خود خوار دیری، اکن خود را

برای چالوایی جهت روز باظلاله "آزادی زنان".

و اصلالات ارضی. که شاهان سفاه خواهان رهایی

آزاده میگردند، هنای لجن پاشی و شروع به پیش را

به خسینی و ازین راه طغیان رفیانه، رهایها

هزار تن از مردم تهران و پک شهرا در خرد از

خونین ۲۴ که با دادن هزاران شهید برخورد

کشیدند، اگر از دادند.

تظاهرات خشنگیانه قم همانظیر اکتیواری

فت با حلۀ ازادی و آذربایجان پیش از این روز

شده و آنکه بدستور شاه و پصد تکرار فاجعه

کشوار و خسینیه مردم بیسلاخ در ۱۴ سال پیش،

بین از ۲ ساعت صوف طبیعت خسینیه که شاه را

بستند. بین از حد تقریبا و نهایا به بخش اقبال، ۳۰

تین شهید و مدها شاه را زخمی و دستگیر شدند. روز

برای پیشان داشتن دستهای خونین خود و در دور

کرن از جلوی چشم مردم ایجاد سیاری از شهید

را فریاد تهران میرید و با در گرد الای خارج شه

دفن میکند. سیاری ازین راه رفاقتی که غرستان این نامه

که با جلکوکی از رسیدن خون بیان، که مردم خوا

هان اهدای رایگان آن بودند در پیکارهای دشمنی

تحت کشکل جان میریدند. در بین کشوار قم،

مت نظمی و تظاهرات سیاسی مردم در شهرهای

آن، اصفهان، تبریز، مشهد، اهواز و آذربایجان حکومت

چنان پیکارهای راه را در استانهای آزادی ریگ که

سراپیگی دچار کردند. مردم همه شهراها

اطلاع یافتن از خبر کشکل و خسینیه قم و شهادت

آزادی خواهان آن شهربخت به خشم آمده در تهران

شب پیکارهای کشت و شهید و همه بازارها

زمیاه خود را بشناسن اغراض بسته و همه بازارها

تعطیل شدند. از قرار بازار نجف نیز بحال اغراض

تعطیل شد.

برادر شهار مردم و طبلان موجود در مراکز

هی در میان طبلاء و توده هایی که میگشند در روای

ژده بث نفوت خود را رسیدت به ستمگرهاي حکومت

شاه ایوان کشند، هم اکنون شکاف های تازیانی در

جامعه روحانیت بزمیان شهادت بزمیان مردم

آبد و روحانیت بزمیان شهادت بزمیان مردم

مشهی که تا زمان از حمایت صفتی روزی میرسید.

این شکه در شرایط کوئی حائز احتیاط خاصی است.

در شرایطی که روزی با وجود سلطنه همه حانمان با

سرخورد ای از گلیه ایانکات و سائل خبری و نیشانی

که در نصیار از دارای قدرتی میگشند.

زوری در کار نشاند، حتی دوست نفر را گز هم آورد

تجمع این عده قابل ملاحظه بطور مدام در طی ده

شب شهادتی از خبر رسانیدند. این از شهادت بزمیان مردم

را میگردند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

نمیگویند. این از شهادت بزمیان مردم

که چنانی که شاه را نیز بزمیان مردم

مثل سانسور و مستکاهیهای در یگر چیزیهای در خدمت چنین اهدافی هستند. روش است که بحث ما در اینجا بر سر مضمون است و نه شیوه عنوای کردن آن که خود مطلبی دیگر است. و بدینهی است که باید در شرایط حاضر شیوه «ناماسب بیان انتخاب گردید»، در اینجا به بحث درباره «این موضوع من بروز از من»، ممکن است ذکر دو نکته ضروریست: اول آنکه بیان طراحت لب مذکور تهیبا باشد شعارهای توحالی (هرچند که در ظاهر ازان استقبال هم بشود) پس نیست و شایر و نویسنده باید طالب خود را بطور شخصی و مطوس با ازایه تحملیهای لازم عنوان کند. شعار دادن تنها (آئم شعارهایی که محنوا به ازایه) اگاهی شنودگان پاری چند این نیمساند و رهایت دل آنها را خنک میکند، یا اثرات تهییجی کوتاه‌مدت دارد. شعار درست و بجا باه محنوا و روش که در ارتباط با نیازهای وقت باشد بسیار خوبست پس از طیکه با تحلیل و توضیح همراه باشد. در چنین شرایطی طرح این شعارها اثرات پسیع کنند، نیز ازد. به عنوان نمونه طرح شعار لغو سانسور از طرفهای روابطه است یا مطالعی که قبلاً تحت عنوان فرهنگ خلخالی و فرهنگ ارجاعی مطرح کردیم، از جانب دیگر خواسته است مشخص است و بالآخر آنکه اتفاقاً زانه و پسیع کننده نیز هست. البته این شعار بد مقامات تحت عنوان مختلف در طی این شبها طرح گردید ولی پیشنهادی که خالی از امیرا نیست. نکته دوم از نکات طرح اینکه مسائل زیورا نباید بشکل کاملاً تجریدی باشد، اینکه نهادن است همراه با نویسندگان و متألهان و ... انجام کرید! خواندن یک داستان خوب با متألهه، بجا اشتاساندن و بحث در مورد فلان سیک در اد - بیان و روابطه آن با فرهنگ و جامعه وغیره، در این مورد سخنرانی میمیند داشتن در مورد رئالیسم در ادبیات قابل ذکر است.

اما یهیمن برگزاری این شبها چه چیزهایی را نشان دارد. برگزاری این شبها بر دو سطح قابل بررسی است. یکی در سطح برگزارکنندگان آن یعنی کانون نویسندگان و شاعرا و موزه در سطح مردمی که این حرکت را مورد پیشیگانی قرار دادند. بهلاوه تحلیل از عکس العمل زین برای اتخاذ مواضع صحیح در مقابل اوضاع اولیه ضروری است. در این پیشنهاد از این شبها مخفیانی در کاند اولی و غیره فرست تحلیل و پیغام از این حرکت و بررسی همه جانبه آن نیست ولی بطور ملخصه و فشرده نکنی را در زیر معرف عنوان میکنم.

در سطح کردانندگان، همانظور که لکنسته، کانون روزگارنده طف و سیمی از افراد با نقصانه - نظرها و ایده‌گذاری های مختص است که با اینکه رهای کونانگون به کانون پیوسته‌اند. عده‌ای اینکه رهای اجتماعی و دستگذاری، جمعی های انتخابی های رسانی، نظری خود نمایی در کاند اولی و غیره آمده‌اند با اخراج اندیشه دیگر برای پیاده کردن میل سه های روزانه را آن فعالیت میکنند. نقطهٔ ضعف و زردی آشیان کانون در رهبری و فرمیستی - روزنیزیستی است که در شیوه عمل و مضمون فعالیت وغیره آن نبلور مخصوصی می‌یابد. این نقضهٔ ضعف نهادن اثرات مخفی خود را بخصوص با توجه به ناهماکنی عناصر مشکله آن بر روی فعالیت ها و حرکات کانون تأکید دارد.

اولین نشان آن ناهماکنی پاپاچه، آنینان رهبری که صحبت آن رفت در عدم وجود یک دورنمای چشم اند از روش و درست و تاثیل می‌باشد. این نقضهٔ ضعف نهادن اثرات مخفی می‌یابد. این نقضهٔ ضعف نهادن اثرات مخفی خود را بخصوص با توجه به ناهماکنی عناصر مشکله آن بر روی فعالیت ها و حرکات کانون تأکید دارد.

این عدم وجود دورنمای با وجود دورنمای رفر - میشی - روزنیزیستی در مضمون سخنرانی ها (که از آن صحبت شد) در طرح شعارها و اهداف و غیره نبلور میابد. بعنوان نمونه کی از اهداف مهم (و گاه مهترین هدف) کانون، کوئن، در نتاس - نهادن کانون به دولت و رسیت یافت آن آن جانسب دیلوت است. این هدف که مبنایاند بعنوان هدفی کاملاً در رده دوم و تبعی و مبنایانه تاکتیکی بکار گرفته شود، هرگاه بدینکی از اهداف من مکرراً فعالیت - های کانون باید حول حقق آن صورت یزدید بدل کردد، کاملاً فرمیستی و در عین حال منحرف کنند و قربت از هنده میگیرد. زیرا این امر معنای ندیدن نیزیو مرد می که از این حرکت پیشتابی میکند و چشم دخشن به الطاف رزیم است. آنها کیا نمیبینندند یا نمیخواهند بینندند که رسیت یافتن کانون تنها و تنها توسط مرد انجام میگیرد و چنانچه بتوانند درحد.

د هند در راه از نظر مردم رسیت خواهند پافت و همین تجمع های ۱-۷ هزار نفری در طی اینس مدت موید همین امر است. البته آنها به وجود مردم و نیروی اینها تأکید دارند و بازها نیز طبق سخنواری ها از آن صحت داشتند ایلکن آنها بیشتر از آنکه به این نیرو تکیه کنند، از آن برای خطا پیش قدرت و ناچور و مقابله زیر استفاده میکنند. کانون توجه تمیکند که دست یافتن باین هدف یعنی رسیت یافتن، ساخت این شکل یعنی با تفاصی از زیرم، تازه چنانچه صورت پذیر، سلما همراه با محدود کردن کانون و فعالیت های آن در چارچوبی است که روزم برای آن معین میکند و بنوی دادن باز هم بیشتر عوامل روزم در درون کانون را بدبختی خواهند داشت. از جانب دیگر انتخاب این هدف پایان شکل کی که از آن سخن رفت احراجی است، زیرا ندهن مردم را در شناساندن قدرت واقعی نیسان مخفی می ازد و بعلاوه کرهان کنند و قربت هدنه است زیرا این تصور را «قال» میکند که راه رسیت یافتن چنین است و نیز اینکه چنانچه مثل روزم کانون را برسیت بشناسد، زندگی کانون دیگر تأمین است و گویا روزم به تمهید این خود پای بند است. آنها نیزینهند یا تبعیوهند بیینند که اگر روزم در حال حاضر وجود چنان جامعی را تحمل میکند تپدار را بایه طلاقه با فشارهای پیش از مدت این بحسران سیاسی - اقتصادی باو وارد میشود و این فشار نیز عمدتا از جانب مردم اعمال میگردد و چنانچه مثلا علت آن از بین برو و روزم بتواند به وضع خود سرو و سامانی دهد و از بحران گونی سالم بجهد دیگر همچوکنه تمهید و رسیت یافتن باند ازه» پیشیزی برآورده ازین ندارد و سایرین همچنین در مجموع آنست انجام دهد. روش عمومی کانون در مجموع در مقابل روزم مشارک است، تمام معنی آنها در این است که بیان فعالیت های آنها روزم را بخشم آورد و روزم از آن رم کنک و این «آب باریکه» را هم بروی آنها بمندید. بخواهند با دلیل و برهان نشان دهد که «حاتم خود را از دست نمیده». کانون نشانهای در عزل از این روش پیروی میکند بلکه آنرا بدینگان بخوشی به مردم هم توصیه میکند. سپاهی از سختواران اسلام کاخصیه به آنین بد فکات این مطلب را تکرار و گوشنز کردن و این فکر «القال» میکند که کویا چشم پوشی و تحمل روزم تجیه مطلق بودن آنهاست و باید سی کرد که عصبانی شنود. خلاصه آنکه شمار آنها در این مرور چنین است: «آسه مر، آسے میا، که در ساخت بزنه، تمام فضای بخت ها و سختوارانی اند و عالم آنها کنده از این شمار بود. شنگ کابل این فضا از حوصله این نامه خارج است ولی شاید ذکر نموده باشی جند در این مرور مفید باشد.

دریک از شب ها (کویا پشت چهارمی) اعلامیه ای از طرف هیئت مدیره کائن فرات مشهور که منی بسر آن، از اینجاکه بعضی از سختواران شهباشی قبل معمول و معمول را برای اینها تکرده اند (مثل بچار اور اور) میزی کنند اند اداره انسانس (بنابراین برنامه سختواری ها) در میگردند. این عمل بالا نسله باعکس العمل درست جمعی و سریع حصار و اعراض آنان روبرو شد بخوبی که مردم بطور مستحبم برای خارج شدن بطریق در خروجی حرکت کردند و نیکاییکی از سختواران ایان را نصایح پدر ازه خود مردم را می دعوه بـ «حاتم کردن باهسو کبرن مردم مواجه شد. متعاقب آن قیصر فرمودند. این اکس العمل سریع و مستحبم مردم شایان اهمیت زیاد است که بآن برخورد خواهیم کرد. بالاخره زمام این دست با چارکی به قوه و موضع برد اختنقت و مردم را موقتا آرام کردند و در همان شب حرف خود را پس گرفتند و قرار شد که اکن سختواری ادامه باید.

نمودن دیگر برای طلاقه با همین روش مشارک است، این بود که کانون برای آنکه روزم عصبانی شنود، من سختواران تن شاهید داشتند، چهارم از این روزهای داشتند، چهارم روز، حال آنکه چنین جزیه بی نظر نفرایران اینهاست، چهارم تکری، حال آنکه چنین جزیه بی نظر نداشتند، کمال میسر و سپاه از لام و ضروری بود و مطمنه از شهباشی این قاطبه مردم برخورد اینهاست. سختواری های مذکور میتوانست به اینه ترتیب شکل (لایصوت پلی کسی) یا

است هنگامیک مردم با همان "تمنویق" های تک در پی آمیز، خواستند بگونه ای مختارانه به معهد پیمانه اند که حاضر به شنیدن جزئیات اینشان نیستند و خواستار سخنرانیها و طالعی در رابطه با سائل روز (سائل هنگفتی و غیره) هستند و هرچند برای بزرگواری این شهابا و بخصوص فقط فضای آن حاضر بتحلیل بعضی جزیئها هستند ولی نه این حد . بوده دیگر همان شروع به ترک محل و هر کوکرد بود که در پلازا از آن سخن رفته که عکس العملی بسیار بجا و سریع و مستحبی بود و مردم نشان دادند که حاضر نیستند که این تجمع ها مدل به جلسات شرخوانی صرف شود ، بخوص کو ظالمی هیئت مدیره پژوهی عدم رعایت خود معتقد و متقول (حتماً حد و نهاد) که روزیم را حوصلت نیاند آزاد) بود . نمونه های سیاسی از این عکس العمل ها در طی این شهابا دیده شد که ما بهمین سند نیز میکنم . بخلافه با هر کس در این مردم گفتگو یکدیگر به عدم قاطعیت کار نون و مواضع رفرمیت سیاسی از آنان ایجاد استند . سوم تحمل و بخشنودی نسبی ای بود که مردم از خود نشان دادند و این علیغیر نهایت بدر سوال از اینه بعضی چون به آذین و نهمت های وقیعه ایه بعضی دیگر (اسلام کاظمیه) . مردم نشان دادند که با وجود مذاقتها بایان با معنی سخنرانان و شعرهای اداء یافته این شهابا و شوش بزرگ آنکه کان آن حاضر بهمکاری و مشتبه ای از این حرکت هستند . لسته در این مرور نکات قابل تذکر دیگر نیز هست از جمله رشد ناگفی سیاسی بعضی ها که نمیتوانند شعارهای قالی و توحالی را از شعارهای صحیح تغییر دهند و مواضع واقعی سخنرانان را در بایانه دیگر شهارها و کلمات هنوز قبیشان را بد هد و یا بالآخره عداه که در وجود توپنده کان و شعر رهبران سیاسی می بینند . در ایندور علاوه بر عدم بلوغ سیاسی "شرابط حاضر نیز اجازه تعید هد که نقابهای فرصل طبلان از چهره فریگاران و فرصل طبلان پس زده شود . کو اینکه برگزاری همین شهابا و بحث و تداری نظرهای تک بدن آن در میان روشترکان برانگیخته شد به شناخت بیش از پیش این شهابا نسبت بمواضع بعضی توپنده کان و شعراء کم کردن و توانستن چهره واقعی آنها را بهتر ببینند ، هرچند نه بطور کامل ، و این خود یکی از اشرفات مشت برگزاری این شهابا بود .

اکنون پس از برگزاری شهابا بار شده ، کانون که پشتیبانی مردم را بمنوان نمایش قدرت بین روزیم کشیده است ، متنظر جواب و حرکت مستقبلی از طرف اوست و اینطور که باید است جواب و حرکت مقابله روزیم پس از سفر "آتا" بآمریکا و روشن نهادن وضع خود دو خدمت ارتبا پزد راهه خواهد شد .

کانون پاید بداند که در این شرایط بدترین راه همان راه ماشافت - بد اراده انتظار و تقاضاست . این همان راه و روشن است .^۱ متن طفه و قتن و مانع کردن از بین دوین کانون را میدهد . کانون باید به خصلت تایابد مروقی و گذردنه وضعیت موجود توجه کند و علاوه در جهت خواسته ای دمو - کزانیکه مردم در این زمینه کام بردا اراد و در این راه به نیروی مردم نکیه کند و نه آنکه به آن لم بد هد و به آن فخر پفروشد .

حرکت اخیر و تجمع خود ۲-۱ هزار تن در طی ده شب شوالی واقعه ایست که میس از دوره " سالهای ۳۹-۴۲ تا کنون نظری نه اشته است ، هم در رابطه با محروم روزیم هم در رابطه با جنبه و جوش رفرمیت های رنگارنگ و رویزینیست ها و هم در رابطه با شوده مردم تاکن تعمق و محتاج بررسی و ارزیابی و تنجیه کری است . نیروهای این تایید نهایا نظاره گر متفصل این واقعیه و حرکات باشند بصرف اینکه مثلاً دایره "عل آن مدد و به روشنترکاران است . نیروهایی چه علاوه بر آنکه میتوانند و باید بطور مستلزم از جنین و مقیمه های بخنوش باشند و با نیروهای مناسب بپرورد ازی کنند ، ولازم بجهنمیه و کوانه رفرمیت ها نیز توجه کنند و در جهت ارتقاء اکاهی مردم و مبارزه با چنبه های سازشکارانه رفر - میست ها فعالیت کنند . سیاسی از روشنترکاری که در این تجمع ها گرد میابند ، بالتفو به نیروهای چه تحلیل دارند و بسیاری از آنان منتظر اتخاذ موضع نیروهای چه اند . نادرست و زیانبار است جنابنجه روشنترکاران را در این وضعیت در مقابل رفرمیت ها و رویزینیست ها تهبا کار و میدان را بسرای بزرگواری اینان پیکاره خالی نمود .